



جغرافیا و روابط انسانی، پاییز ۱۳۹۸، دوره ۲، شماره ۲، پیاپی ۶

بررسی مؤلفه‌های توسعه پایدار روستایی: چالش‌ها و راهکارها

محمد خدامرادپور^۱، مریم زنگنه^{۲*}

^۱ کارشناس ارشد زراعت دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان

^۲ کارشناس ارشد مدیریت فناوری اطلاعات دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۰۶

چکیده

توسعه پایدار روستایی پدیده‌ای پیچیده و دارای ابعاد متعدد است. در واقع بدون شناخت جنبه‌های مختلف سکونت در روستا حفظ آینده روستا امکان‌پذیر نمی‌باشد. حفظ پایداری روستا هدف غایی مؤلفه‌های توسعه پایدار روستایی است. یک‌جانبه‌گری و یا نادیده گرفتن هر یک از مؤلفه‌های توسعه پایدار روستا، خسارات جبران‌ناپذیری برای آینده روستا به دنبال دارد. نتایج بررسی نشان‌دهنده آن است که جهت دستیابی به توسعه پایدار روستایی می‌بایست مؤلفه‌هایی نظیر فرهنگ، محیط‌زیست، امنیت، آموزش، مشارکت و انسان را در نظر گرفت. مؤلفه‌های بازدارنده‌ای نیز مانند چالش‌های مدیریتی، دولتی، اقتصادی، زیستی، اجتماعی، زیرساختی و خزش شهری در این مسیر وجود دارد. در مجموع ایجاد دهیاری‌ها، توسعه صنعت گردشگری روستایی مانند گردشگری غذا، بهبود قوانین مربوط به زمین، احداث واحدهای بیوگازی، اجرای طرح هادی و به‌کارگیری سیستم مدیریتی مبتنی بر ویژگی‌های خاص روستا، می‌تواند تسهیل‌گر تحقق توسعه پایدار در روستا باشد. در این پژوهش که به صورت مروری و با استفاده از منابع مکتوب کتابخانه‌ای و سایت‌های اینترنتی تهیه شده، مسأله توسعه پایدار روستا و راه‌های دستیابی به آن بررسی و راهکارهایی را در پایان ارائه می‌نماید.

واژه‌های کلیدی: روستا، توسعه پایدار، توسعه پایدار روستا، مؤلفه‌ها

امروزه توسعه به عنوان یک فرآیند، مهم‌ترین بحث کشورها، به ویژه کشورهای در حال توسعه به شمار می‌رود. با توجه به این موضوع که نیمی از مردم جهان و بیش از دو سوم جمعیت کشورهای در حال توسعه در مناطق روستایی زندگی می‌کنند و درصد بالایی از این جمعیت در کشورهای فقیر قرار دارند که دارای نرخ رشد بالایی از جمعیت نیز هستند؛ تشدید نابرابری‌ها و میزان بیکاری و مهاجرت روستاییان به شهرها و مشکلات حادث شده از افزایش جمعیت شهرها، چون رشد حاشیه‌نشینی و ناموزون شدن شهرها و عواملی از این دست، زمینه را برای توجه بیشتر به توسعه روستایی فراهم نموده و ضرورت توجه به این قشر از جامعه را نمایان‌تر می‌سازد (مهراب‌قوچانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۲). اصطلاح توسعه پایدار یا پایا (*Sustainable development*) در اوایل سال‌های دهه ۱۹۷۰ میلادی درباره محیط و توسعه به کار رفت. توسعه پایدار در کنار رشد اقتصادی و توسعه بشری در یک جامعه یا یک اقتصاد توسعه‌یافته، سعی در تحصیل توسعه مستمر، و رای توسعه اقتصادی دارد. توسعه پایدار که از سال ۱۹۹۰ میلادی بر آن تأکید شد جنبه‌ای از توسعه انسانی و در ارتباط با محیط‌زیست و نسل‌های آینده است. هدف توسعه انسانی پرورش قابلیت‌های انسانی محسوب می‌شود. توسعه پایدار به عنوان یک فرآیند در حالی که لازمه بهبود و پیشرفت است، اساس بهبود وضعیت و رفع کاستی‌های اجتماعی و فرهنگی جوامع پیشرفته را فراهم می‌آورد و باید موتور محرکه پیشرفت متعادل، متناسب و هماهنگ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تمامی جوامع و به‌ویژه کشورهای در حال توسعه می‌باشد. توسعه پایدار سعی دارد به پنج نیاز اساسی پاسخ گوید: تلفیق حفاظت و توسعه، تأمین نیازهای اولیه زیستی انسان، دستیابی به عدالت اجتماعی، خودمختاری، تنوع فرهنگی و حفظ یگانگی اکولوژیک. (ملیحی شجاعی، ۱۳۹۶: ۲۳۱). توسعه پایدار توسعه‌ای است که نیازهای نسل فعلی را بدون ایجاد اشکال در توانایی‌های نسل آینده در برآوردن احتیاجات خود تأمین می‌نماید (کریمی و درویش‌نوری، ۱۳۹۷: ۱). هدف توسعه، بهبود زندگی و توزیع عادلانه منابع است. توازن نداشتن توسعه در میان مناطق موجب شکاف و تشدید نابرابری منطقه‌ای و فضایی و مانعی در مسیر توسعه ملی محسوب می‌شود (بهرامی‌پاوه، ۱۳۹۷: ۴۷۹).



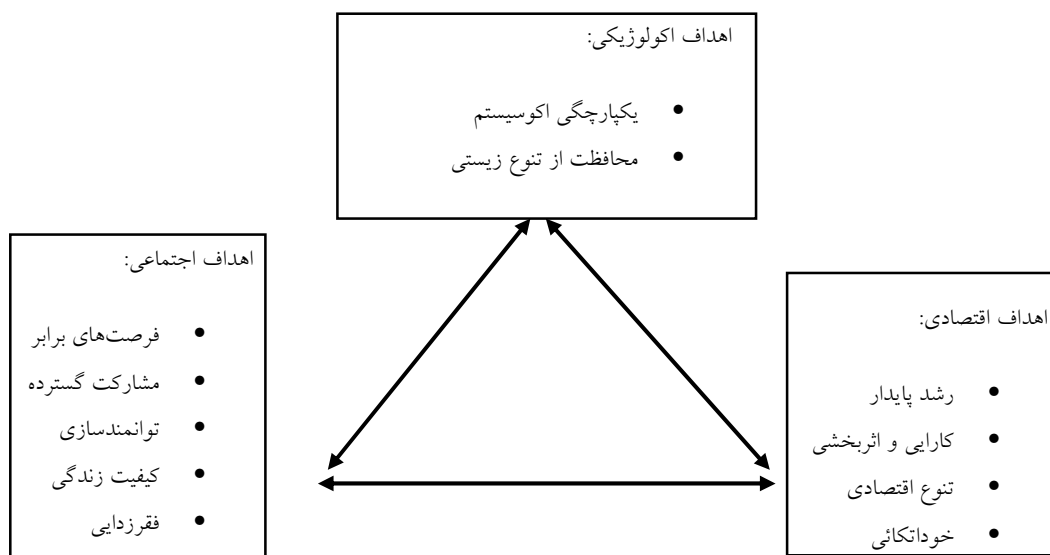
شکل ۱: مفاهیم اصلی توسعه (منبع: بیرانوندزاده و همکاران، ۱۳۹۷: ۵۴)

برای شناخت تفاوت سطح نواحی لازم است، ابتدا وضعیت موجود هر ناحیه شود تا بتوان در مرحله بعدی علل تفاوت را باز شناخت و در جهت کاهش یا از میان بردن آن‌ها اقدام به برنامه‌ریزی کرد. از آن جایی که یکی از جوانب و اهداف مهم برنامه‌ریزی توسعه، کمک به مناطق کم‌تر توسعه‌یافته و اقشار فقیرتر جامعه و توزیع عادلانه امکانات و درآمدها با توجه به مزیت‌های نسبی مناطق و عقب‌ماندگی‌های آن‌ها است، ضرورت دارد که به ارزیابی و اندازه‌گیری میزان برخورداری و سطح توسعه‌یافتگی و قوت‌ها و ضعف‌های مناطق مختلف و بررسی شرایط بهبود یا عدم بهبود آن‌ها پرداخته شود (بیرانوندزاده و همکاران، ۱۳۹۷: ۶۸).

۲- توسعه پایدار روستایی و اهداف آن

امروزه توسعه‌ی پایدار روستایی از مهم‌ترین چالش‌های برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران به‌شمار می‌آید. به عبارت دیگر، توسعه‌ی پایدار روستایی از اصول و اهداف غایی پروژه‌ها، سیاست‌ها و طرح‌های توسعه‌ای در مناطق روستایی است. توسعه پایدار روستایی عبارت است از مدیریت و حفظ منابع طبیعی موجود روستا و جهت‌دهی به تغییرات فنی و نهادی، به شیوه‌ای که برآوردسازی مستمر نیازهای بشری چه در زمان حاضر و چه در آینده- برای مردم روستا تضمین شود (عبدالهی و همکاران، ۱۳۸۸ به نقل از اژدری‌فرد و احمدوند، ۱۳۹۰: ۷۸). توسعه روستایی در خود مفهوم عمران، رشد، توسعه‌ی پایدار و توسعه انسانی را همزمان داراست. توسعه‌ی روستایی را می‌توان آن واقعه‌ای دانست که طی آن روستاییان با اتکا به توانایی‌های خود قادر شوند تا از نعمت‌های مادی و معنوی موجود در شرایط برابر با دیگران بهره‌مند شوند، بدون آن که دغدغه‌ی گرسنگی، فقر، بیماری، جهل و عدم آزادی و سایر محرومیت‌ها را داشته باشند. توسعه‌ی روستایی فاصله‌ی میان شهر و روستا را از میان برمی‌دارد و سطح زندگی در شهرها و روستاها را در یک سطح قرار می‌دهد. معصوم

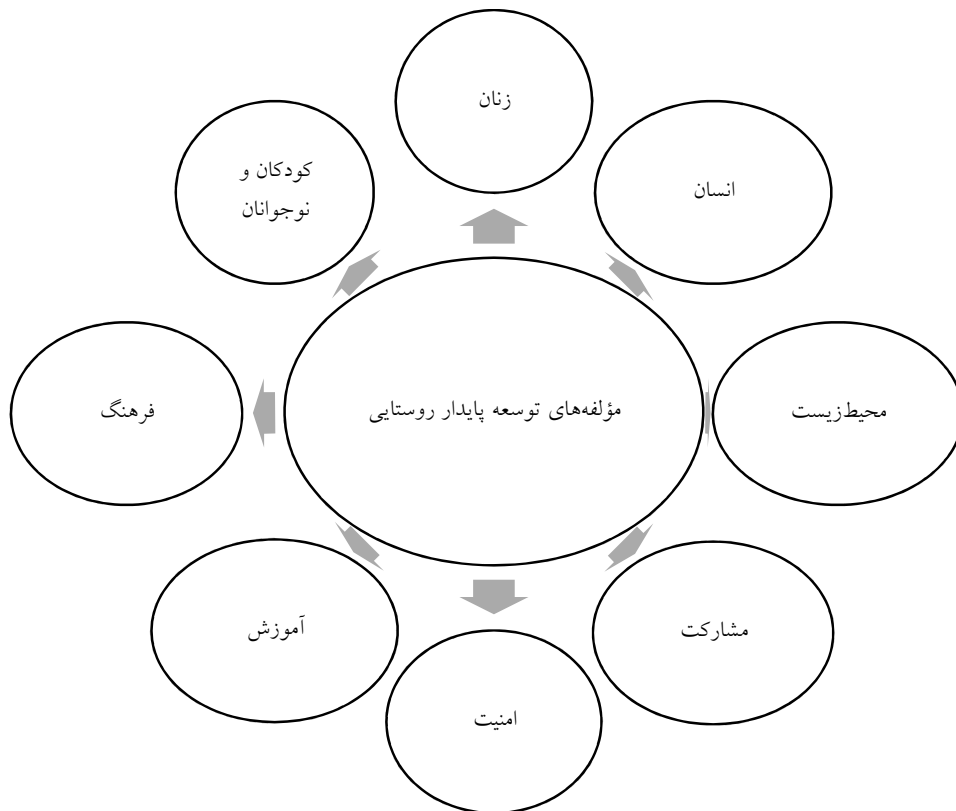
(۱۳۸۲: ۱۶) اهداف توسعه‌ی روستایی را چنین برمی‌شمارد: ارتقای دانش و شخصیت ساکنان روستاها؛ بهره‌برداری بهینه از منابع موجود در روستاها؛ گسترش تشکلهای و نهادهای اجتماعی - اقتصادی در روستاها و اداره‌ی آنها توسط خود روستاییان؛ گسترش اشتغال‌های مولد و رونق فعالیت‌های اقتصادی در روستاها؛ رشد اطلاعات فنی روستاییان در انتخاب و به‌کارگیری اصول و شیوه‌های برتر تولید؛ گسترش تعلیمات اساسی و پیگیری برای استمرار آن در جوامع روستایی. ازکیا و ایمانی (۱۳۸۷: ۳۱) بیان نمودند که توسعه‌ی روستایی، فرآیندی چندوجهی است که موضوع آن، بهبود کیفیت زندگی اقشار فقیر و آسیب‌پذیر اجتماع روستایی است. این فرآیند، با بهره‌گیری از سازوکارهایی همانند برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، تقویت خوداتکایی فردی و جمعی و ایجاد دگرگونی در ساختار ذهنی و اجتماعی روستاییان، تلاش می‌کند که قدرت و اختیار مردم روستا در استفاده از قابلیت‌ها و منابعی که در دسترس آنهاست را تقویت نماید تا از این طریق بتوانند وضعیت موجود خود را به وضعیت مطلوب، تغییر دهند. تحقق چنین توسعه‌ای مستلزم دگرگونی در ساختارهای نهادی، فنی، شخصیتی و ارزشی است که منجر به تغییرات اساسی در ساختار اجتماعی و ویژگی‌های شخصیتی روستاییان می‌شود. برآیند و پیامد این توسعه باید پاسخگویی به نیازهای روستاییان، ارتقای کیفیت زندگی آنان، تقویت اعتماد به نفس و آزادی انتخاب و عاملیت روستاییان باشد. توسعه‌ی پایدار روستایی را نیز می‌توان وحدت میان ابعاد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و محیط‌زیستی جامعه‌ی روستایی به منظور بالابردن سطح معیشت و رفاه مردم تلقی کرد. تحولات سریع، چالش‌های تازه‌ای را برای بازشدن راه‌های جدید توسعه پیش روی مناطق روستایی می‌گذارد (Horlings & Padt, 2013:413).



شکل ۲: اهداف توسعه پایدار روستایی (منبع: علوی‌زاده، ۱۳۸۶: به نقل از بهبودی، ۱۳۸۹: ۵۹)

۳- مؤلفه‌های توسعه پایدار روستایی

سازمان کالبدی روستا در فرآیند تعاملی با حضور عواملی چون تمایلات، علایق و اهداف جامعه از یک سو و نیروهای محیطی (تسهیل‌گر یا محدودکننده) از سوی دیگر شکل گرفته‌اند و با توجه به این که روستاهای کشور دچار نارسایی‌های زیادی در بافت و کالبد خود می‌باشند؛ شناسایی این نارسایی‌ها و تهیه و اجرای طرح‌های مرتبطی که در جهت رفع نارسایی‌ها و بسترسازی برای تحقق توسعه پایدار در این مناطق عمل کند، از ضروریات است. در اثر غلبه‌ی برنامه‌ریزی بخشی و نبود رویکرد سیستمی در حوزه‌ی توسعه‌ی روستایی، به رغم انجام فعالیت‌های گسترده توسط نهادهای مرتبط مانند بنیاد مسکن، فضا‌های روستایی کشور هم‌چنان با ناپایداری در ابعاد مختلف محیطی، اجتماعی-نهادی، اقتصادی و کالبدی مواجه هستند (ایمانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۶۸). آموزش و ترویج کشاورزی و تعلیم مهارت‌های مربوط به کشاورزی تأثیر مهمی در حل سه مشکل اصلی و متداول در مناطق روستایی جهان سوم دارد. این سه مشکل عبارتند از: ضعف و کمبود تولید، عدم برابری در توزیع درآمدها و عدم شرکت و بسیج عمومی مردم در کارهای عمرانی و آموزشی کشاورزی. چون بیش‌تر مردم در کشورهای جهان سوم در مناطق روستایی زندگی می‌کنند و غالباً به فعالیت‌های کشاورزی اشتغال دارند، عنصر کلیدی در کوشش‌های عمران و توسعه‌ی روستایی مربوط به آموزش دادن توده‌های وسیع مردم است تا جایی که بتوانند امور خود را تمشیت داده و قادر شوند از طریق افزایش بازدهی ناشی از کار مداوم با دانایی روی پای خود بایستند و سهم متناسب خود را از بهداشت بهتر، آموزش بهتر، مسکن، خدمات بهداشتی، آب آشامیدنی و تغذیه دریافت دارند (اویسی، ۱۳۹۷: ۳۰).

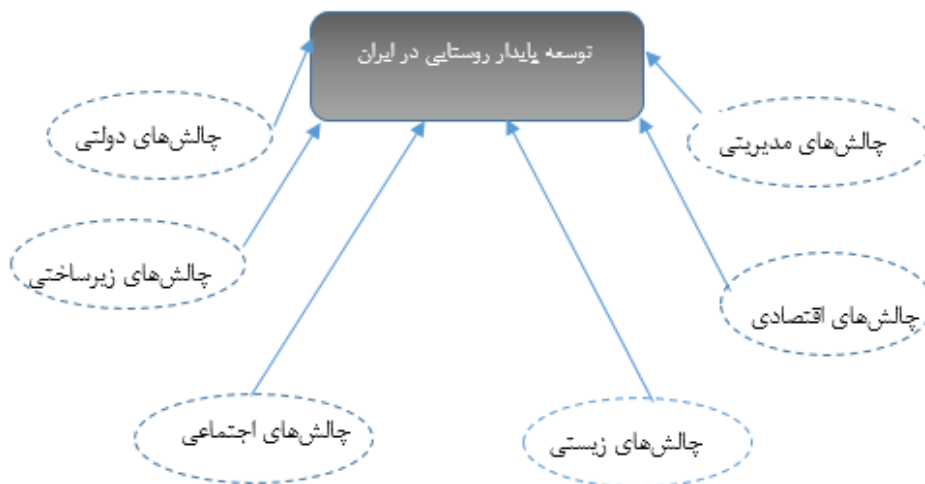


شکل ۳: مؤلفه‌های توسعه پایدار روستایی (منبع: کریم و هاشمی، ۱۳۸۸: ۷ به نقل از برقی و محمود صالحی، ۱۳۹۵: ۲۱۳)

۴- چالش‌ها و راهکارهای توسعه پایدار روستایی

یافته‌های اژدری فرد و احمدوند (۱۳۹۰: ۷۷) نشان داد که عملکرد شوراهای اسلامی روستاهای مورد مطالعه در مسیر توسعه پایدار و همه‌جانبه روستا، در حد متوسطی است. فزون بر آن، وضعیت شوراهای اسلامی مورد مطالعه در ابعاد شش‌گانه عملکرد (اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی و منابع، زیست‌محیطی، عمرانی و زیربنایی، ارتباط با سازمان‌ها و نهادها، و طرح‌های) نیز در سطح متوسطی قرار داشت. این پژوهشگران همچنین نتیجه گرفتند که نگرانی‌های موجود در زمینه تأثیرات نامطلوب ناشی از اجرای پروژه‌های توسعه روستایی، به چالش‌هایی عمده در سطوح ملی و بین‌المللی دامن زده است و همین امر لزوم توجه فزاینده به جنبه‌های پایداری پروژه‌ها و برنامه‌های توسعه روستایی را تبیین می‌کند. از این رو، پایداری می‌بایست به عنوان یکی از ارکان اصلی و مهم توسعه پایدار روستایی قلمداد شود. توسعه پایدار روستایی به یک معنا همانا وحدت میان ابعاد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، و زیست‌محیطی به منظور بالابردن سطح معیشت و رفاه مردم روستایی است.

همان‌گونه که فناوری‌هایی نظیر دستگاه چاپ، راه‌آهن و تلفن تأثیرات شگرفی را در زندگی ایجاد کردند و تصور ما از زمان و مکان را به هم زدند و به مدد آن‌ها کالاها، انسان‌ها و اطلاعات به اقصی نقاط دنیا منتقل شدند، فناوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی نیز تبعاتی به مراتب بیش‌تر برای عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به بار آوردند. نرخ تغییرات در این فناوری‌ها نیز به مراتب بیش‌تر از فناوری‌های گذشته است. انقلاب فناوریانه اخیر که حول محور اطلاعات می‌چرخد موجب دگرگونی در ثروت، قدرت، رشد اقتصادی و غیره شده است. امروزه از فقدان این فناوری به عنوان پاشنه‌آشیل کشورهای در حال توسعه سخن گفته می‌شود که فقدان آن موجب رقابت‌پذیری آن‌ها در بازارهای جهانی، تداوم فقر اقتصادی و عدم توسعه اقتصادی و اجتماعی شده است. مزایای استفاده از این فناوری در توسعه روستایی روشن شده و روستاهای کشورهای پیشرفته و در حال توسعه به سرعت در حال به‌کارگیری و مجهز شدن به آن‌ها هستند (ازکیا و همکاران، بی‌تا: ۱). در تحقیقی با هدف شناسایی مؤلفه‌های بازدارنده توسعه پایدار روستایی در ایران، این مؤلفه‌ها در ۱۰ عامل «ضعف در صنعت گردشگری روستایی، مدیریت نادرست اراضی، نارسایی‌های نظام ترویج کشاورزی، فقدان مشارکت جوامع محلی در برنامه‌های توسعه روستایی، محیط سیاسی حاکم بر بخش کشاورزی، غفلت از دانش بومی روستاییان، عدم توسعه سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در روستاها، بهره‌برداری بیش از حد از منابع طبیعی، محیط مالی و اداری حاکم بر کشور و فقدان زیرساخت‌های اساسی برای توسعه صنعتی روستاها» شناسایی شدند. همچنین نتایج نشان می‌دهند که عدم هماهنگی بین دستگاه‌های تولیدی، توزیع و مالی در زمینه‌های کشاورزی متغیر بازدارنده‌ای است که رتبه اول را در بحث توسعه پایدار روستایی به خود اختصاص داده است (احمدی و سجادی، ۱۳۹۱: ۷۶).



شکل ۴: مؤلفه‌های نظری بازدارنده توسعه پایدار روستایی در ایران (منبع: احمدی و سجادی، ۱۳۹۱: ۷۱)

ایجاد دهیاری‌ها در روستاها را می‌توان در تاریخ توسعه‌ی پایدار روستایی ایران نقطه‌ی عطفی به‌شمار آورد. کیفیت و اثربخشی مدیریت و عملکرد دهیاری عامل تعیین‌کننده و حیاتی در تحقق توسعه و رفاه جامعه‌ی روستایی است. اگر ارزیابی عملکرد دهیاری‌ها به‌طور صحیح و با دیدی عالمانه انجام گیرد، پاسخ‌گویی دستگاه‌های اجرایی اعتماد عمومی، رضایت روستائیان، ایجاد قابلیت‌های جدید، پایداری و توسعه‌ی روستایی را به‌همراه خواهد داشت. همچنین دریافت که از دیدگاه روستائیان، دهیاری‌های مورد مطالعه بیش‌ترین عملکرد را در حوزه‌ی عمرانی و زیربنایی داشته‌اند، در حالی که در بعد اقتصادی و منابع کم‌ترین فعالیت صورت گرفته است (احمدوند، ۱۳۹۳: ۳۸). از لحاظ زیست‌محیطی، با توجه به ارتباط مستقیم گردشگران روستایی با محیط طبیعی، در صورت عدم مدیریت این فرآیند، در بسیاری از موارد، گردشگری می‌تواند به تخریب محیط‌زیست منجر شود. بنابراین، گردشگری روستایی موجب برانگیخته‌شدن حساسیت‌های زیست‌محیطی شده است و برای پایداری گردشگری، حفظ محیط‌زیست و ارتقای آن، از جمله اولین ضرورت‌ها به حساب می‌آید. حتی از نظر وضعیت فیزیکی روستاها، حفظ بافت‌های باارزش روستایی، مسکن سنتی و متناسب با اقلیم منطقه، و شیوه‌های مختلف سکونت‌گزینی در گردشگری مورد تأکید است. لذا می‌توان گفت که گردشگری نیز یکی از ابعاد مهم توسعه پایدار مخصوصاً در نواحی روستایی محسوب می‌شود به شرطی که طوری برنامه‌ریزی شود که به سمت گردشگری پایدار حرکت کند در غیر این صورت اثرات منفی آن را از لحاظ اقتصادی و زیست‌محیطی بسته به منطقه مورد نظر متحمل می‌شویم (اعظمی و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۱). ایزدی (۱۳۹۴: ۶۵) در یک بررسی چنین بیان نمود که طی چند دهه‌ی گذشته، صنعت گردشگری روستایی رشد چشمگیری در جهان پیدا کرده و روزه‌روز بر تنوع آن افزوده شده است. یکی از زیرمجموعه‌های گردشگری روستایی، گردشگری غذاست که با توجه به کارکرد و فواید آن، مورد توجه برنامه‌ریزان و سیاستگذاران کشورها قرار گرفته است. در ایران با وجود برخورداری از تنوع مواد غذایی محلی و سنتی، هنوز به گردشگری غذا توجه چندانی نشده است؛ حال آن که رشد و توسعه‌ی این بخش می‌تواند در تحرک و پویایی و توسعه‌ی همه‌جانبه و پایدار جوامع روستایی کشور نقش مؤثری ایفا کند. یافته‌های این بررسی نشان داد که گردشگری غذا در اغلب کشورهای که در برنامه‌ریزی‌های خود بدان توجه مناسب کرده‌اند، توانسته است آثار مثبتی در توسعه‌ی پایدار روستایی و منطقه‌ای ایجاد کند و منجر به رونق اقتصادی و شکل‌گیری هویت منحصر به فرد برای این جوامع شود. نتایج حاکی از آن بود که کشور ایران قابلیت‌های زیادی در زمینه‌ی گردشگری غذا دارد و با رفع چالش‌ها و مشکلات موجود در خصوص می‌توان از کارکردهای این نوع گردشگری در جهت توسعه‌ی پایدار روستایی کشور بهره برد. افراخته و حجی‌پور (۱۳۹۲: ۱۵۸) خزش شهری و پیامدهای آن در توسعه پایدار روستایی را در دو مقطع زمانی ۱۳۸۰ و ۱۳۸۹ بررسی نمودند. یافته‌ها نشان داد که در دهه مزبور خزش شهری فضای روستاهای پیرامونی را در خود حل نموده و اراضی روستایی نیز به کاربری

مسکونی تبدیل شده است. رشد فیزیکی شهری، منجر به تحول ساختار اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدیریتی و خدماتی روستاهای پیرامونی شده است. این تحولات با توسعه پایدار روستایی هماهنگ نبوده است. آذیری (۱۳۸۷: ۲۷) با انجام پژوهشی با بررسی عوامل مؤثر بر توسعه پایدار روستایی با تأکید بر کشاورزی پایدار، پیشنهادهایی برای بهبود روند توسعه پایدار روستایی در ایران ارائه نمود. از جمله این پیشنهادهای می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: اصلاح ساختار اداری (تمرکززدایی) و زیربنایی در روستاها، اصلاح و بهبود قوانین مربوط به زمین (مالکیت، سیستم‌های زمین‌داری و بهره‌برداری از زمین)، احیای مناطق تفریحی و گردشگری و توسعه توریسم روستایی، شکل‌گیری و حمایت از تشکل‌های مردمی و تعاونی‌ها بر اساس اصول واقعی تعاون و بر اساس فرهنگ ایرانی-اسلامی، به‌طور قانونی و پایدار، تعیین یک متولی ثابت برای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی و نظارت بر حسن اجرای امور توسعه و عمران و آبادانی روستاها. در بررسی اسمعیلی و خداداد (۱۳۹۷: ۵۴) اظهار گردید که روند رو به رشد جمعیت، تشدید آلودگی‌های زیست‌محیطی آلی به خصوص افزایش تولید مواد زائد جامد، محدودیت زمین جهت دفن، بالا بودن سطح آب‌های زیرزمینی، میزان بالای بارش و نحوه جریان آب‌های سطحی در بسیاری از روستاهای ایران جملگی ما را یادآور می‌سازد که تهدید ناشی از زباله در روستاهای ایران جدی است و اتخاذ سیاست مناسب در مدیریت فضولات دامی، گیاهی و مواد زائد جامد از اهمیت زیادی برخوردار می‌باشد که در این زمینه احداث واحدهای بیوگازی می‌تواند به عنوان یک گام اساسی در جهت تأمین انرژی، کود، آب، توسعه کشاورزی و اقتصاد روستایی و نهایتاً "حل بحران عظیم زباله با اثرات چشمگیر اجتماعی و بهداشتی در روستاهای ایران مدنظر قرار گیرد. لذا در راستای نیل به توسعه پایدار در کشورمان، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی بر مبنای محورهای توسعه پایدار در کلیه بخش‌های شهری و روستایی امری ضروری است. با وجود نقش مهم روستاها در رشد و توسعه کشور، به عنوان جوامع تولیدکننده، محصولات کشاورزی، دامی و باغی، توسعه پایدار روستایی کم‌تر مورد توجه قرار گرفته است. با توجه به میزان جمعیت روستایی کشور، پراکندگی جوامع روستایی و هزینه‌بر بودن اتصال آن‌ها به شبکه سراسری انرژی از یک سو و عدم بهره‌مندی روستاها از سیستم بهداشتی دفع فاضلاب و آلودگی‌های زیست‌محیطی ناشی از آن، استفاده از فناوری بیوگاز در مقیاس روستایی در چند دهه‌ی اخیر مورد توجه قرار گرفته است.

گردشگری روستایی می‌تواند سهمی در متنوع‌سازی اقتصاد و توسعه پایدار داشته باشد و با ایجاد اشتغال و درآمد موجب توسعه مناطق توسعه‌نیافته گردد. اگر چه مشاغل مربوط به این صنعت خیلی تخصصی و پردرآمد نیستند ولی با این حال منافع بسیاری را نصیب روستاییان می‌کند. گردشگران برای اقامت، خرید کالاهای محلی و خدمات پول پرداخت می‌کنند. این پول‌ها در فعالیت‌های محلی جریان می‌یابد و موجب تحرک روستاییان در برآوردن نیازهای بازدیدکنندگان می‌شوند. گردشگری با ایجاد اشتغال، افزایش سطوح درآمد، متنوع‌سازی فعالیت‌های اقتصادی، افزایش سطح آگاهی‌های

اجتماعی و ایجاد روابط اجتماعی گسترده بین جامعه میزبان و میهمان به حفظ از میراث فرهنگی و محیط زیست طبیعی کمک کرده و با جلوگیری از مهاجرت بی‌رویه بهینه‌سازی بهره‌برداری از زمین به توسعه روستایی پایدار کمک می‌کند (برزگر و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۸۲). مدیریت روستایی یکی از مهم‌ترین ابعاد توسعه روستایی است و همچنین نقش بسیار مهمی در هماهنگی فعالیت‌های توسعه روستایی بر عهده دارد، نتایج تحقیق حاکی از این است که نظام مدیریت روستایی ایران طی سالیان طولانی به لحاظ ساختارهای اجتماعی، تحولات و دگرگونی‌های پیچیده‌ای داشته و متأسفانه خلاء مدیریت کارآمد و اصولی در روستاها در تمامی این ادوار به خصوص تا سال ۱۳۴۰ و دهه‌های اخیر مشکلات عدیده‌ای را برای روستاییان ایجاد نموده است. در مدیریت محلی نوین روستایی، دهیاری‌ها از بدو تشکیل تاکنون با استفاده از همیاری و مشارکت مردم و کمک‌های دولت اقدامات مؤثری در توسعه روستایی انجام داده‌اند. اجرای طرح هادی، برنامه خدمات عمومی و برنامه خدمات اجتماعی - اقتصادی، سه فعالیت عمده دهیاری‌ها در چارچوب توسعه روستایی قرار می‌گیرند و دهیاری‌ها بیش‌ترین تأثیر را در توسعه مدیریت روستایی از جهات عمرانی داشته است (برقی و محمودصالحی، ۱۳۹۵: ۲۰۵). سیاست‌های مسئولان و برنامه‌ریزان نیز طی دهه‌های اخیر وضع مناسبی نداشته و لذا بر وخامت اوضاع افزوده است. حمایت‌ها از روستایی عمدتاً بر اساس ارایی خدمات و کمک‌ها بوده نه بر پایه‌ی بها دادن و به بازی گرفتن آنان در امور اقتصاد روستا و مشارکت در امر توسعه. در برنامه‌ریزی‌ها، روستاها به عنوان منطق جمعیتی و مسکونی تصور شده و نه عرصه‌ی تولید و دارای ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و به همین دلیل هم اکنون با مشکلات تولید و فناوری‌های مرتبط در روستاها مواجهیم و کشاورزی ما همچنان سنتی باقی مانده است. علاوه بر این‌ها، روستا و روستایی ما از طریق نابسامانی‌ها در برنامه‌ریزی‌های کلان و بودجه‌های سالانه نیز آسیب دیده است. در حالی که انتظار آنست که این قبیل سیاست‌گذاری‌ها در راستای حل مشکلات و توسعه‌ی روستا باشد (امین‌طاهری، ۱۳۹۵: ۱۰). هدف برنامه‌ریزی روستایی، بیش از هر چیز، کاهش نابرابری‌ها و ایجاد تعادل فضایی در مناطق روستایی و همچنین، برقراری تناسب بین برنامه‌های معطوف به افزایش تولید و درآمد روستاییان و برنامه‌های خدمات محور است. بنابراین، وضعیت مطلوب در برنامه‌ریزی‌های روستایی، توسعه فراگیر و پایدار روستایی است. بدین منظور، ابتدا باید به شناخت دقیق و همه‌جانبه از وضعیت موجود دست یافت، که براساس نگرشی نظام‌مند امکان‌پذیر خواهد بود. بنابراین، تعیین نیازهای اساسی توسعه و اولویت‌بندی آن‌ها در مناطق روستایی امری ضروری در برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ای به‌شمار می‌آید (امینی‌نژاد و زنده‌بودی، ۱۳۹۷: ۲۲). روند توسعه تابعی از عوامل اکولوژیکی، اقتصادی و اجتماعی درونی و بیرونی هر جامعه‌ای است. از آنجا که نمود عینی ساختارهای بخش کشاورزی در هر جامعه روستایی مبتنی بر نظام‌های بهره‌برداری آن جامعه شکل می‌گیرد، لذا تغییرات آن در ساختارهای کشاورزی نیز تأثیرگذار خواهد بود. امروزه تهیه مواد غذایی و تولید محصولات کشاورزی برای تأمین

نیازهای غذایی جمعیت هر دم روبه افزایش، و تأمین امنیت غذایی، از الزامات توسعه پایدار به‌شمار می‌آید، و این رسالت اغلب به عهده جامعه روستایی است. از این رو شناخت دقیق نظام‌های بهره‌برداری می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در توسعه پایدار روستایی داشته باشد. بنابراین تأکید بر تحقیق در نظام‌های بهره‌برداری کشاورزی خانوادگی، به‌ویژه پس از اجرای اصلاحات ارضی که در ایران بروز یافته‌اند، از ارکان اصلی مطالعه توسعه پایدار نواحی روستایی کشور به‌شمار می‌آید (بدری و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۳). قنات علاوه بر کارکردهای اقتصادی، در عرصه اجتماعی نیز دارای کارکردهای متنوعی است که در مجموع مهم‌ترین کارکردهای اجتماعی قنات را می‌توان چنین برشمرد؛ ایجاد فرهنگ گفتگو و مذاکره، ایجاد روحیه همیاری و تعامل متقابل میان افراد، گسترش روحیه قناعت و شکیبایی، ایجاد شیوه‌های مشترک در طول زمان در قالب عرف و سنت، توجه به خصایص و کرامات انسانی. در مجموع، قنات از طریق کارکردهای اجتماعی و اقتصادی خود، ارکان اساسی توسعه پایدار را در جوامع روستایی محقق می‌سازد و زمینه‌ای را جهت رشد و تعالی مستمر آن فراهم می‌آورد. بر این اساس، شایسته است که مجموعه‌ای از تدابیر فنی، زیربنایی، اجرایی و قانونی جهت حفظ، نگهداری و بازسازی سازه‌های پایدار آبی مانند قنات در مسیر رشد و اعتلای توسعه پایدار روستایی اعمال گردد (بهبودی، ۱۳۸۹: ۶۰).

جهت دستیابی به توسعه پایدار در مناطق روستایی و جوامع محلی، تنها با ایجاد یک سیستم مدیریتی مبتنی بر برنامه‌ریزی مختص آن جامعه محلی امکان‌پذیر است، زیرا این جوامع در واقع ذینفعان اصلی این برنامه‌ی توسعه هستند (Jomehpour, 2017: 161).

۴- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بررسی مباحث مطرح‌شده نشان‌گر آن است که توسعه پایدار روستایی پدیده‌ای پیچیده و دارای ابعاد متعدد است. در واقع بدون شناخت جنبه‌های مختلف سکونت در روستا، حفظ آینده روستا امکان‌پذیر نمی‌باشد. اجرای برنامه‌های گوناگون برای توسعه پایدار در روستا به آزمون و خطا و بدون انجام مطالعات بنیادین و همه‌جانبه باعث می‌شود نه تنها رسیدن به پایداری در روستا با مشکل روبرو گردد، بلکه موجب بروز مشکلات تازه در حیات و آینده روستا می‌شود. شناخت و درک مناسب از مؤلفه‌های توسعه‌ی پایدار روستایی و اهداف حاصل از آن‌ها، گام اولیه و اساسی در این مسیر است تا بتوان عوامل بازدارنده را به درستی تشخیص داد و راهکارها و راهبردهای مناسب را برای برطرف کردن موانع بازدارنده به خوبی اجراء نمود. با توجه به مطالب بیان‌شده و مشکلات موجود پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

۱- شناخت سطح هر ناحیه تا برنامه‌ریزی مناسب برای توسعه هر ناحیه با توجه به سطح توسعه‌یافتگی، قوت‌ها و ضعف‌های مناطق مختلف صورت گیرد.

۲- مدیریت و حفظ منابع طبیعی موجود در روستا برای تأمین نیازهای بشری چه در زمان حاضر و چه در آینده برای مردم روستا

۳- به‌کارگیری تجربیات سایر کشورها مانند استفاده از فناوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی، احداث واحدهای بیوگازی و غیره

۴- تقویت و گسترش دهیاری‌ها و شوراهای اسلامی روستاها برای ایجاد یک سیستم مدیریتی مبتنی بر برنامه‌ریزی مختص هر روستا و بهره‌مندی از مدیریت محلی نوین روستایی

۵- توسعه صنعت گردشگری پایدار برای حفظ محیط‌زیست و بافت‌های باارزش روستایی

۶- جلوگیری از خزش شهری جهت ممانعت از تبدیل اراضی روستایی به کاربری مسکونی

مراجع:

- ۱- آذری، سمیه. (۱۳۸۷). «بررسی عوامل مؤثر بر توسعه پایدار روستایی با تأکید بر کشاورزی پایدار». فصلنامه نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی، سال ششم، شماره بیست‌ویکم، صص: ۲۷-۲۲.
- ۲- احمدوند، مصطفی. (۱۳۹۳). «بررسی تأثیر دهیاری‌ها بر توسعه پایدار روستایی در شهرستان بویراحمد». فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۷، شماره ۳، صص: ۴۲-۲۳.
- ۳- احمدی، فاطمه. سجادی، اشرف. (۱۳۹۱). «بررسی مؤلفه‌های بازدارنده توسعه پایدار روستایی از دیدگاه کارشناسان». مجله پژوهش‌های ترویج و آموزش کشاورزی، سال پنجم، شماره ۳، پیاپی ۱۹، صص: ۸۰-۶۹.
- ۴- ازکیا، مصطفی. ایمانی، علی. (۱۳۸۷). «توسعه پایدار روستایی». انتشارات اطلاعات، چاپ اول، صص: ۴۵۲.
- ۵- ازکیا، مصطفی. نوابخش، مهرداد. ایمانی، علی. (بی‌تا). «عوامل مؤثر بر نشر فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی در جامعه روستایی (مطالعه تجربی: روستای قرن‌آباد)».
- ۶- اژدری‌فرد، فاطمه. احمدوند، مصطفی. (۱۳۹۰). «واکاوای عملکرد شوراهای اسلامی در مسیر توسعه پایدار روستایی (مطالعه موردی: شهرستان سمیرم)». پژوهش‌های روستایی، سال دوم، شماره سوم، پاییز، صص: ۱۰۰-۷۷.

- ۷- اسمعیلی، فضل‌اله. خداداد. (۱۳۹۷). «بیوگاز و اثرات آن بر پایداری محیط‌زیست در سکونت روستایی». فصلنامه علمی تخصصی پژوهش‌های علوم فنی و کشاورزی (ATSR)، دوره اول، شماره ۲، صص: ۶۲-۵۲.
- ۸- اعظمی، امیر. حشمتی‌جدید، مهدی. سلیمانی، عادل. علی‌بیگی، امیرحسین. (۱۳۹۵). «تبیین اثرات گردشگری بر توسعه پایدار روستایی: (مطالعه موردی: روستای ریجاب از توابع شهرستان دالاهو در استان کرمانشاه)». فصلنامه میراث و گردشگری، صص: ۴۲-۲۳.
- ۹- افراخته، حسن. حجی‌پور، محمد. (۱۳۹۲). «خزش شهری و پیامدهای آن در توسعه پایدار روستایی (مورد: روستاهای پیرامونی شهر بیرجند)». جغرافیا، دوره جدید، سال یازدهم، شماره ۳۹، صص: ۱۸۵-۱۵۸.
- ۱۰- امین‌طاهری، محمدعلی. (۱۳۹۵). «توسعه‌ی روستا، کلید توسعه‌ی کشور». سنبله، ۱۰/۲۵۰.
- ۱۱- امینی‌نژاد، غلامرضا. زنده‌بودی، یاسر. (۱۳۹۷). «ارزیابی شاخص‌های توسعه‌ی پایدار روستایی در استان بوشهر: مطالعه موردی شهرستان تنگستان». فصلنامه‌ی روستا و توسعه، سال ۲۱، شماره‌ی ۴، صص: ۲۸-۱.
- ۱۲- اویسی، میثم. (۱۳۹۷). «نقش کشاورزی در توسعه پایدار روستایی». ماهنامه دام و کشت‌و‌صنعت، ۲۱۵ و ۲۱۶، صص: ۳۰.
- ۱۳- ایزدی، حسن. (۱۳۹۴). «گردشگری غذا، فرصتی برای توسعه‌ی پایدار روستایی در ایران». پژوهش‌های روستایی، دوره‌ی ۶، شماره‌ی ۱، صص: ۹۶-۶۵.
- ۱۴- ایمانی، بهرام. خلیفه، ابراهیم. ابراهیمی، خدیجه. (۱۳۹۶). «ارزیابی اثرات اجرای طرح هادی در توسعه‌ی پایدار روستایی (مطالعه‌ی موردی: روستای کندوان، آذربایجان شرقی)». مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، ۶(۲)، صص: ۷۱-۵۷.
- ۱۵- بدری، سیدعلی. رکن‌الدین‌افتخاری، عبدالرضا. سلمانی، محمد. بهمند، داداله. (۱۳۹۰). «نقش نظام‌های بهره‌برداری زارعی (خانوادگی) در توسعه پایدار روستایی (مطالعه‌ی موردی: شهرستان قیر و کارزین - استان فارس)». پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۶، صص: ۴۸-۳۳.
- ۱۶- برزگر، صادق. رضایی، طیبه. جان‌بابانژاد، محمدحسین. (بی‌تا). «اثرات گردشگری محلی در توسعه‌ی پایدار روستایی (نمونه مطالعاتی: روستای فارسین)». فصلنامه میراث و گردشگری، صص: ۱۸۷-۱۶۵.

۱۷- برقی، حمید. محمود صالحی، سمیه. (۱۳۹۵). «نقش مدیریت نوین روستایی در توسعه پایدار روستایی». راهبرد توسعه، شماره ۴۵، صص: ۲۳۹-۲۰۵.

۱۸- بهبودی، هدی. (۱۳۸۹). «بررسی کارکردهای اقتصادی-اجتماعی قنات در دستیابی به توسعه پایدار روستایی». فصلنامه نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی، سال هفتم، شماره ۱ بیست و هفتم، صص: ۶۱-۵۷.

۱۹- بهرامی پاوه، رحمت‌اله. (۱۳۹۷). «تحلیلی بر روند پارادایم توسعه‌یافتگی و تأثیر آن بر همگرایی ملی در ایران». فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، دوره ۶، شماره ۳، صص: ۴۹۷-۴۷۸.

۲۰- بیرانوندزاده، مریم. سبحانی، نوبخت. فلاحی خوشجی، مصطفی. علی‌زاده، سیدعلی. (۱۳۹۷). «تحلیل سطوح پایداری توسعه روستایی در استان کرمانشاه». مجله علوم جغرافیایی، شماره ۲۹، پاییز و زمستان ۱۳۹۷، صص: ۷۱-۵۱.

۲۱- کریمی، مرضیه. درویش‌نوری، سیمین. (۱۳۹۷). «فقر و توسعه پایدار محیط‌زیست (با تأکید بر نقش جنسیت)». مدیریت محیط‌زیست و توسعه پایدار ۲۵۸۸X-۳۷۸.

Available online at: www.EMSD.ir

۲۲- معصوم، جلال. (۱۳۸۲). «اصول و مفاهیم توسعه‌ی روستایی». دهیاری‌ها، شماره ۱۵، صص: ۱۷-۱۴.

۲۳- ملیحی شجاعی، رادمان. اسدی، صالح. اسمعیلی‌کمارعلیا، حسین. (۱۳۹۶). «تأثیر اقتصاد مقاومتی بر توسعه پایدار در اقتصاد ایران». بورس، مهر و آبان ۱۳۹۶، شماره ۱۴۷ و ۱۴۸، صص: ۲۳۵-۲۳۰.

۲۴- مهرباب‌قوچانی، امید. خسروی‌پور، بهمن. رواجی‌نژاد، محمد. (۱۳۹۳). «فاوا و توسعه روستایی (ضرورت، چالش‌ها و راهکارها)». کشاورزی و توسعه پایدار، شماره ۵۴-۵۳، صص: ۲۷-۱۲.

25- Horlings, Ina. Padt, Frans. (2013). *Leadership for Sustainable Regional Development in Rural Areas: Bridging Personal and Institutional Aspects. Sustainable Development, 21, 413-424.*

26- Jomehpour, Mahmoud. (2017). *Identifying Strategic Properties for the Sustainable Development of Rural Areas Based on Local Community Planning. Journal of Sustainable Rural Development, Volume 1, Number 2, 161-16*